

گذشته از اینکه از يك سوی بایستی با قواعد زیانشناسی و دستور زبان فارسی آشنا بود و از تاریخ زبان فارسی آگاهی داشت و از سوی دیگر با دانشهای پیوسته به تفسیر همانها که دروازجکی در آغاز برشمرده است آنچنان که طبری و زمخسری و جشمی و طبرسی و طوسی و ابوالفتوح رازی و شهپور اسفراینی و سوراآبادی و میبدی و دیگران در نگارشهای خود گنجانده اند سروکار داشت ناگزیر بایستی به همه نسخه های آن سرکشی کرد و به نکته هایی که در آنها هست برخورد و به جداییها که از هم دارند نگرست و از سنجش آنها نتیجه علمی گرفت. این جداییها را هم دوسبب است یکی اینکه این تفسیر املاء است و شنوندگان انجمن درس استاد روی آمادگیهای ذهنی گوناگون که هر يك داشته اند و اختلاف درجه فهم سخنان استاد و چیزهای دیگر آن را گوناگون می نوشته اند. این کاری است که بهره برندگان از درس استاد در آکادمیها و دانشگاهها و مدرسه ها می کنند. دیگر تصرفاتی که نویسندگان نسخه ها در طول تاریخ در نسخه ها کرده اند. پس با گذشت روزگار تحولی در این تفسیر رخ داده است و باید کوشید با نگاه به نسخه های گوناگون و ژرف نگرستن بدانها به آن نگارشی دست یافت که هرچه بیشتر به نگارش اصلی یا املاء درست دروازجکی نزدیک باشد.

دیباچه و پایان آن نوشته است که این دفتر از روی روض الجنان و روح الجنان ابوالفتوح رازی ساخته و پرداخته میان ۵۱۰ و ۵۵۶ یا اندکی پیش از ۵۴۷ یا ۵۵۲ با افزوده هایی به نگارش درآمده و هیچ نامی از رازی در آن نیست همچنان که فتح الله کاشانی در منهج الصادقین از گازر گرفته است ولی او از رازی و گازر یاد کرده است (ص ۴۹۵ جلد ۱۰ چاپ محدث)

تفسیر گازر به گواهی نسخه ۹۵۶۰ دانشگاه بایستی پیش از ۲۸ دی ۸۲۸ و به گواهی نسخه ۱۲۹۶ سنا (۲: ۲۱۵) پیش از ۸۴۶ و به گواهی یکی از نسخه های محدث (ش ۱۴ ص ۶۲ دیباچه او) پیش از ۸۹۴ به نگارش درآمده باشد. پس گازر از دانشمندان شیعی سده هشتم و نهم خواهد بود.

در دانشگاه تهران نسخه ای است به شماره ۲۷۶۲ نوشته ۹۶۸ (۱۰: ۶۲۲) که تفسیر نیمه دوم است و من آن را تفسیر دروازجکی پنداشته بودم و او را هم شیعی گمان بردم چون نشانه های تشیع در نسخه دیده ام شاید برای اینکه دیدم این نسخه هیچ يك از تفسیرهای کهن دیگر نیست و در آن شعرهای فارسی شیوایی است و با سخنانی از دانشمندان دیرینه ما این نسخه را اینک با نسخه های شماره ۲۰ آستان رضوی نوشته ۹۷۷ از مریم تا پایان قرآن و نیمه دوم و شماره ۲۱ همانجا از آیت ۲۶ شعراء تا سوره ملك آن هم نیمه دوم (فهرست فیلمها ۱: ۱۷۵ فیلم ۱۰۹۵ عکس ۳۱۳۷ تا ۳۱۴۴ و فیلم ۸۲۵ عکس ۴۱۲۸) یکی می پندارم. به گواهی سنجش با نسخه ملك این نسخه ها از دروازجکی نخواهد بود و در فهرست آستان رضوی هم چنین چیزی ننوشته اند. چون درباره نسخه شماره ۲۰ در این فهرست آمده است که شاید «تفسیر سید گازر استاد زواری» باشد همین مرا واداشت که آنها را با تفسیر گازر در برخی جاها بسنجم همه اینها را همانند می پندارم. گذشته از افزوده هایی که در آغاز و انجام تفسیر سوره ها و جاهای دیگر در تفسیر گازر هست. خوب است کسی اینها را باهم بیشتر و درست تر بسنجد بلکه بتواند این سه را درست بشناسد، در این سه روش سنی آشکار است ولی تفسیر گازر سراپا شیعی است. آیا کسی از سنیان از تفسیر دروازجکی و جز آن گزینی کرده و خود تفسیری ساخته و سپس گازر گرگانی شیعی از آن برداشته است، پس نوشته گازر با نگارش رازی چه پیوندی خواهد بود. امید که ایندگان پرده از این راز بردارند.

سخنی درباره تصحیح این تفسیر

در پایان این را باید گفت که در تصحیح این تفسیر گرانبها

## قضاوت های

## معرفی يك نسخه خطی كهن و نفیس موسوم به اقضية رسول الله (ص). تألیف ابن طلاع

در ضمن تهیه و تألیف فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات مشهد به کتاب قدیمی و ارزنده‌ای دست یافتیم در خصوص قضاوت‌های حضرت رسول اکرم (ص) و چون سخنرانی امام بزرگوار را شنیدیم که مقامات را به اهمیت قضا و مسائل مربوط به آن آگاه می‌ساختند، لذا حقیر مناسب دید تا این کتاب را، که یکی از بی‌شمار کتابهای ارزنده اسلامی است و تاکنون چاپ نشده، به دستاران قضا بویژه دانشمندانی که به قضاوت اسلامی مشغولند شناسانم، مگر اقدامی در راه تصحیح و طبع و نشر آن، به عمل آید.

مؤلف این کتاب، ابو عبدالله محمد بن فرج بن عبدالله قرطبی مالکی معروف به ابن طلاع (متوفی ۴۹۷ هـ ق) است. وی مفتی اندلس و محدث آن سامان بوده. گویند گروهی از نقاط مختلف به نزد او می‌آمدند تا از او حدیث آموزند. ابن بشکوال وی را می‌ستاید و می‌گوید که کسی منکر فضل او نیست. ابن طلاع حافظ قرآن کریم بود و در فتوی استاد و به احکام قضاء آگاه بود. وی امام جامع قرطبه بود.

از ابن طلاع دو کتاب به جای مانده است یکی بنام کتاب

التذکار فی افضل الاذکار، در فضیلت قرآنت قرآن که نسخه آن در کتابخانه قسطنطنیه ترکیه به شمار ۲۶۹ موجود است، دیگری کتاب مانحن فیه است تحت عنوان اقصیه رسول الله موضوع کتاب همانطور که از عنوانش پیداست احکامی است که پیامبر (ص) صادر فرموده است.

### کتاب اقصیه - نسخه شناسی

از کتاب اقصیه چهار نسخه نشان دارم که دونسخه در استانبول، در کتابخانه دامادزاده (= مراد مثلا) موجود است، یکی به شماره ۳۳۹ تحریر قرن هفتم هـ. ق در ۱۱۶ برگ که با نسخه اصل مقابله شده است، و دیگری به شماره ۱/۱۱۳ با تحریر ۸۱۱ هجری. نسخه سوم هم ضمن کتابهای رئیس الکتاب در کتابخانه سلیمانیه استانبول است به شماره ۱۱۳ یا تحریر قرن هشتم هجری قمری در ۲۰۴ برگ. نسخه چهارم آن که در دست ماست، در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد به شماره ۱۵۰۵ نگاهداری می‌شود و از سده هشتم در ۱۱۸ برگ که مقابله شده است و برگ آخر آن افتاده است.

ابن طلاع در هر پایی از این کتاب منابعی را که از آنها استفاده کرده و از آنجا حدیث نقل کرده است نام می‌برد. از آن جمله است: احکام قاضی ابن زیاد، احکام القرآن قاضی اسماعیل، اموال ابو عبید، بخاری، تفسیر ابن سلام، سیره ابن هشام، کتاب ابن شعبان، کتاب ابن عقبه، کتاب خطابی، کتاب محمد بن سحنون، کتاب الشرف، کتاب مسلم، کتاب نسائی، مختصر مدونه ابن شهاب، مسند بزاز، مسند ابن ابی شیبه، مسند نقی، مصنف ابی داود، مصنف عبدالرزاق، مصنف نسائی، مدونه، معانی القرآن زجاج، معانی القرآن نحاس، موطأ مالک، نوادر ابن ابی زید، واضحه، و تائق ابن عطار، و هدایه مکی.

این کتاب شامل هفت بخش است: ۱- جنایات؛ ۲- جهاد؛ ۳- نکاح؛ ۴- طلاق؛ ۵- بیوع؛ ۶- اقصیه؛ ۷- وصایا.

آغاز: بسم الله. قال الشيخ الاجل العالم العامل الفاضل المشاور ابو عبدالله محمد بن فرج عفی الله عنه، الحمد لله كما حمد نفسه و اضعاف ما حمده خلقه حتى يفنى حمدهم و يبقى حمده لا اله الا هو، هذا كتاب اذكر فيه ان شاء الله ما انتهى الي من اقصية رسول الله (ص) التي قضى بها و امر بالقضاء فيها ...

### سیر اجمالی در مطالب کتاب اقصیه

ابن طلاع می‌گوید که من در این کتاب آنچه از قضاوت‌های

## پیامبر (ص)

دکتر محمود فاضل (یزدی مطلق)

رسول خدا (ص) (که خود بدانها حکم فرموده است و یا اینکه دستور داده است تا آنچه را که به من رسیده است یادآور می‌شوم. بنا به گفته ابن طلاع اصولاً قضاوت‌های هر قاضی باید برابر یکی از این سه امر باشد:

- ۱- یا آنچه حکم می‌کند مطابق با قرآن کریم باشد.
  - ۲- یا احکام او برابر دستورات پیغمبر اکرم (ص) باشد.
  - ۳- یا اینکه رای‌های او موافق با نظریه اجماع علما باشد.
- بنابراین بر کسی که به مسند قضا می‌نشیند لازم است که عالم به حدیث و فقه باشد و عاقل و با ورع هم باشد.

ابن طلاع کتاب خویش را با قضاوت‌های پیغمبر اکرم (ص) در خصوص دماء یعنی خونها آغاز می‌کند چون در حدیث صحیح آمده است که نخستین چیزی که خداوند در روز قیامت به آن رسیدگی می‌کند مسئله خونهایی است که ریخته می‌شود، همچنین در روایت است که پس از شرك به خداوند هیچ گناهی بزرگتر از قتل نفس و کشتن انسان نیست و رسول خدا (ص) فرمود هر کسی که در قتل مسلمانی شرکت کند، ولو به مقدار نصف کلمه، روز قیامت محشور شود در حالی که بر چهره اش آثار یأس از رحمت خدا دیده می‌شود.

آیا در زمان پیغمبر (ص) زندان بوده است؟

یکی از مسائلی که در اینجا مطرح می‌شود، مسئله حبس و زندان است و اینکه آیا در عهد رسول خدا (ص) زندان بوده است و آیا آن حضرت دستوری داده است تا مجرمین پیش از تعیین سرنوشتشان به زندان روند یا نه.

مؤلف با ذکر احادیثی که برخی از آنها وجود این امر را نفی می‌کند و بعضی دیگر اثبات می‌نماید سرانجام نتیجه می‌گیرد که در عهد پیغمبر (ص) و صحابه زندان بوده است و خطاکاران محبوس می‌شدند، لکن در نوع جرمی که موجب زندانی شدن بوده است در زمان حضرت محمد (ص) و هر يك از صحابه فرق می‌کرده است. از احادیث مذکور در این فصل چنین استنباط می‌شود که در عهد رسول خدا (ص) متهمین به قتل، قبل از اجرای حکم، محکوم به زندان می‌شدند، و پس از زمان آن حضرت مجرمین برای اتهاماتی جز آن نیز محبوس می‌گردیدند.

حکم رسول خدا (ص) درباره کافر حربی. پیغمبر اکرم (ص) نسبت به کفار حربی که با اسلام و مسلمین سرستیز داشتند بشدت رفتار می‌کرد و دستور می‌داد تا آنها را نابود کنند. قتل غیر عمد. حضرت محمد (ص) در مورد قتل خطائی

می‌فرمود با دادن دیه و جلب رضایت بازماندگان مقتول و توبه قاتل، این دعوا فیصله یابد و خون دیگری ریخته نشود. در اینجا سه نمونه از این احکام را نقل می‌کنیم:

۱) دوزن عرب با یکدیگر به نزاع برخاستند، یکی از آنها با عمودخیمه بر زن دیگری که حامله بود حمله برد و او را به قسمی زد که سقط جنین کرد و فرزندش کشته شد. پیغمبر اکرم (ص) دیه آن کودک را چیزی معادل پنجاه دینار یا ششصد درهم تعیین کرد (هر دینار شرعی امروز در وزن برابر است با هجده نخود طلا که آن را مثقال شرعی گویند که سه چهارم مثقال صیرفی معمولی است).

۲) اگر کسی دیگری را زد بطوری که بدنش مجروح گردید، باید او را مداوا کند تا بهبود یابد، و حاکم شرع نباید او را تازیانه زند و یا به زندان افکند، مگر در مواردی که مصلحت بدانند.

۳) رسول خدا (ص) در مورد زنانی محصنه و زانیه حامله و یهودیانی که زنا کنند و اقامه حد بر زانی بکر و شخص مریض و کیفیت تازیانه‌ای که بر آنها می‌زنند و حد قذف و شراب خواری و لواط و دزدی و جادوگری، احکام برجسته‌ای دارد که در این بخش از کتاب قسمتهایی از آنها آمده است.

در اینجا کتاب «جنايات» به پایان می‌رسد و کتاب «جهاد» آغاز می‌شود، در این کتاب ابتدا نمونه‌ای از آرایشهای جنگی رسول خدا (ص) را آورده است و سپس فصلی درباره جاسوس دارد که در پایان این فصل آمده است. حکم جاسوس این است که باید اعدام گردد، زیرا او همانند زندیق است که توبه ندارد.

### رفتار پیغمبر (ص) با اسرای جنگی

نویسنده پس از این گوید که رفتار و قضاوت پیامبر اسلام (ص) در خصوص اسیران جنگی چنان بود که اگر به آغوش اسلام می‌آمدند و دست از توطئه و عناد برمی‌داشتند، مشمول عفو و بخشودگی قرار می‌گرفتند و در غیر این صورت، نسبت به آنان شدت عمل نشان می‌داد. و گاه بود که می‌فرمود آنان را بکشند و یا به زنجیرشان کشند و یا اسیر باشند و یا زندانی گردند، چنانکه درباره گروهی از یهود و برخی از کفار و مشرکین قریش چنین کرد. برای اثبات این امر نمونه‌های تاریخی از یهود بنی قریظه و بنی النضیر و جنگهای بدر و احد و فتح مکه بیان کرده است و همچنین در این باب به احکام صادره از طرف حضرت محمد (ص) نسبت به اموال این اسیران و معلومین اشاره می‌کند.

ابن طلاع پس از آن به موضوع امان دادن پیغمبر (ص) در روز فتح مکه و قرارداد صلح آن حضرت اشاره می‌کند و احادیث

چندی را در این خصوص نقل می نماید.

جزیه

بالاخره در فصل آخر کتاب «جهاد» احکام رسول خدا (ص) درباره جزیه و مقدار آن آمده است. رسول خدا (ص) در آغاز مبعوث به رسالت شد در حالی که مأمور بود تا مردم را به اسلام دعوت نماید، و تا ده سال چنین بود تا اینکه خداوند فرمان داد تا با کنار بچنگد و دستور داد با اهل کتاب نیز جنگ نماید مگر اینکه اسلام آورند، یا اینکه جزیه دهند، بدین منظور رسول خدا (ص) از نصارای نجران و ایله و دومة الجندل و مجوسیان عجم جزیه گرفت. پس از این بخشهای دیگر کتاب شروع می شود که سرفصلهای آن بدین قرار است:

کتاب النکاح: حکم رسول الله (ص) فی الثیب یزوجها ابوها بغیر رضاها؛ فی نکاح التعمیض بموت الزوج قبل الدخول؛ فی من تزوج امرأة فوجدها حبلی و فی نفقة المطلقة و عدتها و سکنها؛ فی النفقة علی زوجها و هوغایب؛ فی الصداق و اقل ما یكون و ذکر صداق ابنته و زوجاته؛ بمنع علی بن ابیطالب (ع) ان یتزوج علی فاطمه (ع)؛ فی المجوسی یسلم والمراه یسلم قبل زوجها ثم یسلم؛ فی المتعرض و نکاح المتعه؛ فی القسم بین الزوجات؛ فی الرضاع بشهادة امرأة واحدة.

کتاب الطلاق: حکم رسول الله (ص) فی طلاق الحایض؛ فی الخلع؛ فی الامه تمتق تحت زوج؛ فی المرأة تقیم شاهداً واحداً عدلاً علی طلاق زوجها و الزوج منکر؛ فی من طلق دون الثلاث، فی الحضنة، فی الظهار واللعان والحق الولد بامه.

کتاب البیوع: حکم رسول الله (ص) فی السلم و الربا و بیع النخل والخیار و اختلاف المتبايعین؛ فی التفلیس والجوايج و فی من یخدع فی البیوع.

کتاب الاقضیه: حکم رسول الله (ص) فی الحقوق بالظاهر و بالیمین والبینة و کیفیة یمین الحالف؛ فی احياء الموات و قسمة الماء؛ فی الشفعة والقسمة والمزارعة والمساقاة والصلح.

کتاب الوصایا: حکم رسول الله (ص) فی الوصیة؛ فی الاحباس و الصدقة والهبة والمشتبهات؛ فی الوصیة والعق؛ فی اللقطة و توقیف مال الغایب والتوکیل علی القسمة والودائع والامانات؛ فی ضمان العاریة والموارث؛ بالولد للفراس و من استخلف بعدموت ابيه و اثبات علم الفاقه و حکم علی (رض) فی ذلك؛ فی میراث ذوی الارحام و منع القاتل المیراث و میراث الولای؛ فی الکلاب وحریم الابار و الوکیل ومعان مختلفه. در اینجا نسخه به پایان می رسد و کتاب ناقص الآخر است.

غنائم جنگی و هدایا و نحوه تقسیم آنها یکی از اموری که نزاع برانگیز است مسئله غنائم جنگی و نحوه تقسیم آنهاست. مؤلف روایاتی آورده است که در آن به احکام و قضاوتهای رسول اکرم (ص) در این خصوص اشاره رفته است و بیان کرده که سهم جنگجویان سواره، پیاده، زنان و غائبین چقدر است. رسول خدا (ص) در «حنین» فرمود تا اگر قتلی عمدی بایینه ثابت شد، قاتل را باید به دار آویزند.

هدایایی که برای پیامبر (ص) می آوردند

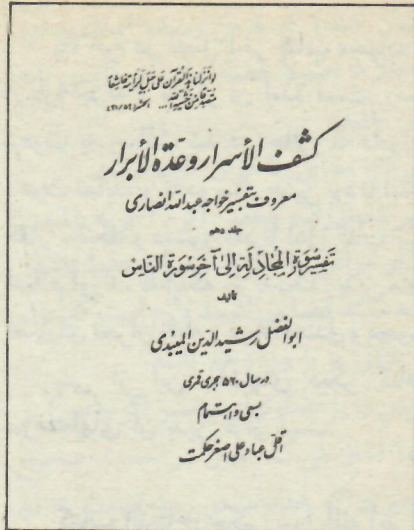
در بخش دیگر، قضاوتهای رسول اکرم (ص) در مورد هدایایی که به آن حضرت داده اند آمده است، از قبیل هدایای ابی سفیان، دحیه، مقوقس، اگیرد و ... که آنها را حضرت قبول کرده و هدیه عیاض مجاشعی را نپذیرفت و آن جناب متقابلاً هدایائی داده است. قضاوت حضرت محمد (ص) درباره چیزهایی که از کفار بدون جنگ و از طریق مسالمت گرفته می شود و نحوه تقسیم آنها خود فصلی مستقل است، در این فصل آمده که رسول خدا (ص) اموال هوازن را در میان مؤلفه قلوبهم و ذی القربا به نحو خاصی تقسیم کرد. از میان اموال کفار، برخی از خوردنیها استثنا شده است و آن حضرت فرمود که از آنها استفاده نکنند، چنانکه در جنگ خیبر دستور داد که روا نباشد پیه محصول یهودیان خورده شود.

مجدداً فصلی در قضاوت رسول خدا (ص) درباره تقسیم اموال بنی النضیر و خیبر مطرح شده است و در این فصل آمده است که پیامبر (ص) از سهمیه خاص خویش به مقداری که سنت است صرف اهل خویش می نمود. و نیز آمده است که رسول خدا (ص) بهنگام قرارداد صلح فدک عده ای را اطعام کرد.

احترام به سفرا و قراردادها

حضرت محمد (ص) حکم فرموده است تا سفیران و پیغام آوران دیگر ممالک را نکشند و نسبت به عهدهایی که با کفار بسته می شود وفا کنند و قراردادها را محترم بشمارند، مؤلف در این فصل نمونه هایی از عمل پیغمبر اکرم (ص) را در این خصوص ذکر کرده است.

حضرت محمد (ص) در مورد امان دادن زنان و مردان، احکامی صادر نموده است و خود به امان دادن آنها پایبند بوده است.



کشف الاسرار و عده الابرار. احمد بن محمد میبیدی. چاپ سوم. به اهتمام و تصحیح علی اصغر حکمت. تهران. امیرکبیر. ۱۳۵۷. ده جلد. ۶۷۷۸ صفحه.

کشف الاسرار و عده الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، یکی از عظیمترین و قدیمترین تفسیرهای فارسی است که نزدیک به نهصد سال از تألیف آن (۵۲۰ ق) می گذرد، و اخیراً چاپ سوم آن با هیأتی آراسته و پیراسته، در ده جلد، مجموعاً در ۶۷۷۸ صفحه، از سوی مؤسسه انتشارات امیرکبیر منتشر گردیده است.

پیش از کشف الاسرار، و همزمان با آن تفاسیر فارسی دیگری هم نوشته شده است. قدیمترین تفسیر مفصل فارسی - یعنی صرف نظر از تفاسیر کوتاه یا ناقص، یا از بین رفته - همانا ترجمه تفسیر طبری است (نوشته محمد بن جریر طبری، فراهم آمده به سال ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری، در هفت مجلد)

تفسیر میبیدی که در حوالی سال ۵۲۰ هجری نگارش یافته، از نظر نظم و نسق و شیوه تفسیرنویسی، پیشرفته تر از ترجمه تفسیر طبری است. مهارت طبری، هم از آنجا که مورخ است، در قصص و تواریخ است، و کمتر تفسیری از این لحاظ با آن برابری تواند کرد. اما برجسته ترین ویژگی کشف الاسرار، عرفانی بودن آن است.

کشف الاسرار مهمترین (هم کاملترین و هم عمیق ترین) تفسیر عرفانی فارسی است. البته باز هم پیش از کشف الاسرار، که خود مبتنی بر تفسیر عرفانی (اکنون از دست رفته) خواجه عبدالله انصاری است، چندین تفسیر عرفانی مهم تألیف شده است از

جمله: تفسیر القرآن العظیم اثر سهل تستری (قرن سوم) یا حقائق التفسیر اثر سلمی نیشابوری (متوفای ۴۱۲ ق.) و لطائف الاشارات اثر عبدالکریم قشیری (متوفای ۴۶۵ ق.) صاحب رساله قشیریه معروف. اما همه این تفاسیر به عربی است.

کشف الاسرار و عده الابرار مبتنی بر تفسیری است از خواجه عبدالله انصاری، عارف بزرگ قرن پنجم (متوفای ۴۸۱ ق.). از این تفسیر فقط نامی در طبقات المفسرین سیوطی آمده است. اما نقاوه معارفش در همین تفسیر میبیدی درج است. میبیدی رابطه اثر خود با اثر خواجه عبدالله را چنین بیان کرده است: «اما بعد، این بنده کتاب تفسیر قرآن شیخ الاسلام فرید

عصر و وحید دهر ابی اسمعیل عبدالله بن محمد بن علی الانصاری (خواجه عبدالله) را - که روانش شاد باد - مطالعه کرده، آن را از نظر لفظ و معنی و تحقیق و ترصیح در حد اعجاز یافتم، جز اینکه در نهایت ایجاز و اختصار بود؛ چندانکه درد جویندگان دانش را دوا، و کام دیده وران اندیشنده را روا نمی کرد. از همین روی بر آن شدم که به شرح آن ابتدا کنم، و عنان قلم را اندکی بیشتر رها کنم، تا حقائق تفسیر را با لطائف تذکیر فراهم آرم، و کار را بر اهل فن آسان گردانم.

در اوایل سال ۵۲۰ به انجام این آرزو کمر همت بستم، و در تکمیل آن از پای تنشستم، و کتاب را کشف الاسرار و عده الابرار نام نهادم. امید هست که اسمش با مسما موافق افتد و لفظش با معنا مطابق. توفیق از خداوندست: هو حسبی و نعم الوکیل» (ج ۱، ص ۱، ترجمه از نگارنده)

مرحوم علی اصغر حکمت که این اثر ارجمند را بر مبنای و با مطابقت چندین نسخه خطی کهن و معتبر تصحیح، و چاپ اول آن را در سلسله انتشارات دانشگاه تهران (از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹) منتشر کرده است، در معرفی سبک و محتویات این تفسیر چنین گوید:

«... خزانه ای است آکنده به ثالی و جواهر، مشتمل بر تفسیر قرآن شریف به سبک مفسرین عامه، و محتوی بر قراآت و اختلاف آنها، و شأن نزول آیات، و بحث در احکام فقهیه، و تأویلات عرفانی به سبک صوفیه عظام که جابجا به اقوالی چند از خواجه انصار مزین است، و از لحاظ تفسیر و تأویل و فقه و خبر و سیر و حدیث و ادب و صرف و نحو و اشتقاق و کلمات صوفیه و مواعظ اخلاقی